

اسلام، تاجیکستان و قرن بیستم

علي آدمي ابرقويي

از فردي فروپاشي شوروي، تاجیکستان به دليل حفظ سابقه ديني و اسلامي خود علي رغم 70 سال سلطه کمونيست ها و همچنين علقه ارتباطي شديدی که با جمهوري اسلامي داشت، مورد توجه قدرت هاي جهاني قرار گرفت.

تاجیکستان از لحاظ منابع و معادن و مواد خام بسيار غني اما در عرصه توليد و فناوري ضعيف است. به همين دليل براي احياء اقتصاد خود محتاج کمک هاي بين المللي است و از اين روست که ايالات متحده از طريق صندوق بين الملل پول و بانک جهاني مي کوشد اين کشور را و امدا ر سياسي و فرهنگي خود کند. علاوه بر اقدامات اقتصادي، برنامه هاي فرهنگي نيز از قبيل ايجاد آموزشگاه هاي زبان انگليسي، پخش فيلم هاي مستهجن، ايجاد يك رايزن فرهنگي و... در دستور کار قرار گرفته تا بتوانند از اين طريق جوانان را آرام آرام از سنت و فرهنگ ديرينه خود دور کنند. اما علي رغم همه اين تلاش ها قسمت چشمگيري از مردم به سنت هاي ديرينه فرهنگ خود پايبندند و آن را حفظ کردند.

تاجیکستان فعلي از جمله سرزمين هايي است که در صدر اسلام زير پوشش سبز اين آيين قرار گرفته بود. اسلام که از حدود 14 قرن پيش وارد زندگاني تاجيك ها شده است با تمامي بخش هاي حيات اين مردم آمزش يافته و به عنصر مهم هويت آن تبديل شده است و امروز فرهنگ تاجيك ها بدون آن قابل تصور نيست.

تاريخ تاجيك ها در قرن 20 ميلادي سرشار از خون و نبرد بوده و مقاومت آشکار و نهان اين مردم عليه دشمنان تاجیکستان در تمام طور زمان شوروي ادامه يافته است. گرچه نظام شوروي با استفاده از تمام وسائل ممکن درصدد از ميان برداشتن اسلام واقعي در اين سرزمين بوده است اما

بعد از دهها سال سیاست های هویت زدائی شوروی در جمهوری تاجیکستان که در ممنوع اعلام کردن روابط تاجیکستان با کشورهای اسلامی، ممانعت از رسمیت داشتن دین، حذف فیزیکی روحانیون، از میان برداشتن الفبای فارسی، نبود ساختن میراث فرهنگی و تحریف تاریخ و کتب ادبیات خلاصه می شده باز در آخرین سالهای موجودیت اتحاد شوروی مردمی را صحنه مشاهده می کنیم که قسمت چشمگیری از آنان به سنتهای دیرینه فرهنگی خویش پایبندند و اصیل ترین عناصر فرهنگی خود را از دست نداده اند. به طور کلی می توان گفت که سیاست های اصل زدائی دولت شوروی در تاجیکستان تقریباً ناموفق بوده و نتوانسته است که اسلام را از میان مردم به کلی بردارد. یعنی پیوند مسلمانان با پیشینه بزرگ خود به طور کلی قطع نشد.

در دهه 80 این قرن، شاهد فراهم آمدن يك سري شرائط مساعد براي احیای مجدد اسلام در تاجیکستان هستیم.

الف: اولین عاملی که برای احیای مجدد اسلام در جمهوری تاجیکستان مساعدت کرده است، شتاب بیشتر نیروهای مبارز در تمام جهان اسلام می باشد. از مشاهده اوضاع جهان در دهه 70 و 80 می توان گفت که اسلام در این دوره با روحیه کاملاً جدیدی وارد میدان شد و در کشورهای مسلمان نشین، نهضت های پیشین اسلامی بر فعالیت های خویش افزودند.

ب: عامل موثر دوم، تجاوز اتحاد شوروی به خاک کشور مسلمان نشین افغانستان است. پس از اشغال افغانستان از سوی ارتش شوروی حکومت مسکو از مسلمانان تاجیکستان به علت همزیان بودن با مردم افغانستان استفاده زیادی می کرد. تاجیکستان به عنوان مترجم، مشاور، خبرنگار، معلم، استاد دانشگاه و غیره در مناطق گوناگون افغانستان به عنوان نمایندگان اتحاد شوروی فعالیت می کردند. از آنجا که درهای افغانستان به روی جهان اسلام باز بود ارتباط تمامی مسلمانان خارج با مسلمانان شوروی در این کشور امکانپذیر می شد و از این طریق کانال جدیدی برای انتقال عقاید اسلام احیا شده به اتحاد شوروی، خاصه به آسیای مرکزی باز شده بود.

ج: نقش سیاست پروستریکا: پیش از به روی کار آمدن میخائیل گورباچف در سال 1985 و پیش از اعلام سیاست جدید از سوی او، در بعضی مناطق مسلمان نشین شوروی گروه های کوچک و کاملاً زیرزمینی اسلامی که دارای افکار معاصر بودند، تاسیس شد. این گروه ها بعد از

آغاز سیاست بازسازی و ایجاد فضای باز سیاسی (آزادی بیان) معروف به پروستریکا و گلاسنوست فعالیت های رسمی خود را افزایش دادند و امکان پیدا کردند که احزاب اسلامی سیاسی خود را سازمان دهند. این امر به احیای مجدد اسلام کمک شایانی کرد و هر چند که در دهه آخر بیستم، حکومت محلی جمهوری های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی چارچوب تنگی را برای فعالیت های گوناگون مردم مشخص کردند و اجرای برنامه های مربوط به بازگشت به هویت ملی را ناممکن ساختند که در این میان چندین عامل از جمله انعطاف ذیری رهبران و نبود قوانین کامل مانع از ادامه تحولات شد. این حالت نامطلوب به دنبال مسائل فرهنگی، مسائل سیاسی را در دستور روز قرار داد؛ از این رو در ساختن ایدئولوژی محدود کمونیسم از جامعه، رسمیت بخشیدن به فرهنگ اصلی مردم و کسب استقلال هر چه بیشتر جمهوری از جمله مسائلی بودند که در مرحله دیگر تحولات تاجیکستان مطرح شدند و دامنه این مسائل از مسائل فرهنگی به معنای خاص آن به مراتب گسترده تر شد. تلاش برای حل این مسائل نخستین انگیزه تبدیل شدن بعضی گروه های فرهنگی به گروه های سیاسی و همچنین تاسیس گروه های سیاسی جدید در تاجیکستان بوده است.

در خلال سال های 1989-1995 از سوی وزارت دادگستری جمهوری تاجیکستان دهها گروه سیاسی کوچک و بزرگ و با اهداف گوناگون اجازه فعالیت رسمی یافتند که عمده ترین آنها حزب نهضت اسلامی، سازمان مردمی رستاخیز، سازمان لعل بدخشان، حزب دمکرات تاجیکستان، سازمان آریانای بزرگ و سازمان جوانان آزاد بودند. این گروه ها در چند سال اخیر تاجیکستان را به صحنه مبارزه شدید میان گروه های تازه تاسیس سیاسی از یکسو و نیروهای باقیمانده نظام پیشین تبدیل کرده بودند. این مبارزه ابتدا شکل سیاسی داشت؛ ولی در سال 1992 به جنگ کشیده شد. احزاب عمده غیر کمونیستی چون حزب نهضت اسلامی، حزب دمکرات، جنبش رستاخیز و سازمان لعل بدخشان برای مبارزه دستجمعی با نظام حاکم با هم توافق کرده و ائتلاف نیروهای مردمی تاجیکستان را تشکیل دادند که هدف اصلی آنها مبارزه علیه بقایای کمونیسم بود.

از میان 4 گروه اصلی ائتلاف مذکور، تاریخ تشکیل حزب نهضت اسلامی به کلی فرق داشته و نسبت به احزاب دیگر سابقه بیشتر و ریشه های عمیق تر و به دنبال آن نفوذ وسیع تری داشته است و از این روبرو به طور جداگانه بررسی می شود.

* روند بنیانگذاری نهضت اسلامی

مسلمانان تاجیک که با وجود تمام سختی‌ها ارزش‌های فرهنگی خویش را حفظ کرده بودند و در سال‌های اخیر دست به تعمیر بنای فرهنگی خود نیز زده بودند، در سال‌های اخیر با توطئه‌های فراوانی روبه‌رو شدند.

مخالفان با هراس از موفقیت مسلمانان تاجیک طرح‌های خود را برای ایجاد اختلال در جریان بازسازی فرهنگی تهیه کردند و مسلمانان را مجبور به برداشتن اسلحه نمودند.

بنیانگذار عملی نهضت اسلامی تاجیکستان یکی از علمای شناخته شده دینی در منطقه آسیای مرکزی سید عبدالله نوری است که در هر لحظه‌ای از تاریخ فعالیت این نهضت نام او ثبت است.

وی در خفقان‌ترین شرایط به فکر تشکیل جمعیتی منسجم و اسلامی با گرایش‌های اسلامی و ضد کمونیستی که شکل یک نهضت را داشته باشد، افتاد و در شرایط خطرناکی مبادرت به ایجاد آن کرد که مهمترین شرط عضویت در آن آگاهی از اسلام و اعتماد بود. نهضت اسلامی تاجیکستان به سرعت توسعه یافت به گونه‌ای که در بیشتر استان‌ها و شهرستان‌های تاجیکستان شعبه‌های خود را تاسیس کرد و هزاران نفر که بیشتر آنها جوان بودند به عضویت آن درآمدند.

* نظری به برنامه و اهداف حزب نهضت اسلامی

اولین بحثی که بنیانگذاران نهضت اسلامی تاجیکستان ضمن آغاز فعالیت رسمی مطرح کردند توجیه لزوم ایجاد این حزب و دلیل این اقدام بود. آنها می‌گفتند امروزه پس از فروپاشی شوروی و از میان رفتن ایدئولوژی کمونیسم، بحران و بن بست معنویت به وجود آمده است و باید نیروهای موجود اسلامی گرد هم آیند و دست به تعمیر بنای معنویت اسلامی مردم بزنند. اعضای حزب، شخصیت سیاسی و اجتماعی خود پیامبر اسلام را به عنوان روشن‌ترین دلیل دینی، سیاسی و اجتماعی و یا دنیوی و اخروی بودن اسلام یعنی دلیلی بر کامل بودن آن مطرح کردند و به عنوان نیروی سیاسی یعنی حزب، فعال کردن نیروهای اسلامی را چون یک امر طبیعی می‌دانستند.

در بند 1-3 آیین نامه حزب نهضت اسلامی، اهداف آن چنین عنوان شده بود: الف: حیای معنویت شهروندان جمهوری. ب: استقلال اقتصادی و سیاسی جمهوری. ج: بیداری سیاسی و حقوقی با مقصد عملی کردن اساس های اسلام در حیات مسلمانان جمهوری. در بند بعدی همین سند طریق دستیابی به این اهداف ذکر شده است: الف: گسترش و تبلیغات اسلام به وسیله در دسترس قرار دادن اخبار در میان خلق های جمهوری. ب: شرکت فعالانه مسلمانان در حیات اقتصادی و معنوی جمهوری. ج: رعایت و عملی کردن احکام اسلام در حیات روزمره هر یک از اعضای حزب نهضت اسلامی

* فعالیت های نظامی نهضت اسلامی

به دنبال به جنگ کشیده شدن مساله تاجیکستان، نهضت اسلامی این کشور نیز دست به تاسیس گروه های نظامی زده است. بتدریج نهضت اسلامی تاجیکستان به عنوان مرکز تنظیم کلیه نیروهای مخالف نظام جدید، اعلان و قرار شد که همه نیروهای نظامی موجود، در یک مرکز تجمع نمایند. از این رو گروه ها به تدریج متمرکز و به اسلحه بهتر تجهیز شدند که اکنون به همراه گروه های تازه تاسیس دیگر، نیروهای مسلح نهضت اسلامی تاجیکستان را تشکیل می دهند. با توجه به توان نیروهای اسلامی، روسیه مجبور شد که در بهار 1994 به منظور نمایش قدرت نیروهای خود در مرز میان تاجیکستان و افغانستان در نواحی نیژنی 5، مانورهای نظامی برگزار کند. از آنجایی که ارتش دولتی تاجیکستان یک ارتش تازه تاسیس و کم تجربه است، مخالفان مسلح دولت تاجیکستان خود را در برابر ارتش روسیه می بینند؛ چون مسوولیت اصلی پاسداری از مرزهای میان تاجیکستان و افغانستان به عهده روسهاست.

* نتیجه گیری

در پایان این که دولت تاجیکستان زیر فشار حامیان شناخته شده خارجی اش تصمیم گرفت تا مساله را از طریق مسالمت آمیز حل کند.

از آغاز سال 1994 با میانجیگری سازمان ملل متحد و شرکت دولت های روسیه و جمهوری اسلامی ایران و با حضور ناظران دیگر مذاکرات گام به گام طرفین آغاز شد. بعد از تبدیل شدن

بحران تاجیکستان به جنگی آشکار و به درازا کشیده شدن این جنگ، از سوی سازمان های بین المللی و برخی کشورها طرح های گوناگونی برای حل مسالمت آمیز مساله مذکور ارائه شد. فشارهای دولت روسیه بر دولت تاجیکستان به دلایل مختلف و میاجیگری تعدادی از کشورهای اسلامی مبنی بر راضی کردن نهضت اسلامی به سوی مذاکره باعث شد تا بتدریج مقدمات مذاکره فراهم شود. در سندی که نهضت اسلامی تاجیکستان برای بررسی در مذاکرات احتمالی پیشنهاد کرده بود، مسائلی از قبیل تشکیل شورای دولتی یا شورای آشتی ملی، مستقر شدن نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در تاجیکستان، بسته شدن پرونده های جنایی مربوط به حوادث سیاسی سالهای اخیر، بازگشت پناهندگان به زادگاه خود و تامین امنیت آنها، بازگرداندن مسکن و املاک غارت و تصرف شده در طول جنگ، برقراری استان قورغان تپه، آزادی فعالیت احزاب و گروه ها، انجام يك انتخابات آزاد دمکراتیک بعد از اوضاع و تهیه قانون اساسی جدید تاجیکستان عنوان شد که حل آنها از نظر نهضت اسلامی تاجیکستان موجب از میان برداشته شدن تشنج در این جمهوری خواهد شد.

به این ترتیب در آغاز سال 1994 نخستین گامها در حل مسالمت آمیز بحران تاجیکستان برداشته شد. ابتدا، این مذاکرات در مسکو سپس در تهران و در نهایت در اسلام آباد دور سوم مذاکرات انجام شد که سرانجام با تلاشهای سازمان ملل متحد، روسیه و بخصوص جمهوری اسلامی ایران در ماه سپتامبر 1994 در تهران يك دوره فوق العاده مذاکرات صورت گرفت که برای اولین بار نمایندگان بلند پایه هر دو طرف شرکت کردند و پس از چند روز بحث و مذاکره طرفین به امضای يك توافقنامه آتش بس دست یافتند.